

..... **(*) : *_*, ***** **

Title of Journal



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Examining the characteristics of images and colors in the eighth grade Persian textbook and their relationship with the lesson text

ABSTRACT

Keywords:

8th grade
Picture
Color
Persian book
Lesson text

1 . Corresponding author

Educational textbook images, as a producer of meaning and a source of interpretation and interpretation of the text, if accompanied by appropriate color and design, can have positive and meaningful effects on students' understanding, feelings, and behavior. The purpose of the present study is to analyze and investigate the characteristics of the images and colors used in the eighth grade Persian textbook and the extent of their relationship with the course text and how they affect the level of learning and understanding of concepts by students. The research method is a library data collection method and in terms of collection method, it is qualitative and of the type of content analysis, and the sampling method is a complete count; that is, all eighth grade Persian images and the colors used in them were examined. The findings show that a total of 85 percent of the images are related to the course text in various ways, including part of the text, most of the text, and symbolic, and eleven color ranges were used in the book's images. Conclusion: The results show that among the values contained in the images, naturalism and its expression of beauty and wonder, with 29 percent, has the highest frequency among other values, which is in line with making concepts tangible and giving students an identity. Also, the green color spectrum, with a frequency of 21 percent, is the most used color and with a frequency of 12, is the most dominant color in the images, which creates peace, strengthens religious beliefs, hope and cheerfulness, and instills a sense of self-confidence in students. 76 percent of the dominant colors are closely related to the lesson text, with the green, brown, and blue color spectrums having a higher frequency compared to other colors, respectively.

ISSN (Online):

DOI:

Received:

Reviewed:

Accepted:

PP:

Citation (APA): Abbasi, H. (2023). The effectiveness of critical thinking training on the self-esteem of sixth grade female students. *The Journal of Theory and Practice in Teachers Education*, 9(15), 29-1.

 <https://doi.org/10.12345/tej.12.10.112>



بررسی ویژگی‌های تصویر و رنگ در کتاب فارسی هشتم و ارتباط آنها با متن درس

مقاله پژوهشی

چکیده

تصاویر کتب آموزشی به‌عنوان تولیدکننده معنا و منبع تفسیر و تعبیر متن، اگر با رنگ و طراحی مناسب همراه شوند، می‌توانند آثار مثبت و معناداری بر درک، احساس و رفتار دانش‌آموزان داشته باشند. پژوهش حاضر در پی تحلیل و بررسی ویژگی‌های تصاویر و رنگ‌های به‌کاررفته در کتاب فارسی هشتم و میزان ارتباط میان آنها با متن درس و چگونگی اثرگذاری آنها بر سطح یادگیری و درک مفاهیم توسط دانش‌آموزان است. روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و از نظر شیوه جمع‌آوری، کیفی و از نوع تحلیل محتواست و روش نمونه‌گیری، تمام‌شماری است؛ یعنی همه تصاویر فارسی هشتم و رنگ‌های مورد استفاده در آنها بررسی شده‌است. یافته‌ها نشان می‌دهد مجموعاً ۸۵ درصد تصاویر با متن درس به شکل‌های مختلف، از جمله بخشی از متن، بیشتر متن و نمادین مرتبط هستند و یازده طیف رنگ در تصاویر کتاب استفاده شده است. همچنین، نتایج حاکی از آن است که در میان ارزش‌های مندرج در تصاویر، طبیعت‌گرایی و بیان زیبایی و شگفت‌آوری آن، با ۲۹ درصد بیشترین بسامد را در میان سایر ارزش‌ها دارد که در راستای ملموس‌سازی مفاهیم و هویت‌بخشی به دانش‌آموزان است. در ضمن، طیف رنگ سبز با بسامد ۲۱ درصد بیشترین رنگ مورد استفاده و نیز با فراوانی ۱۲، غالب‌ترین رنگ در تصاویر به شمار می‌رود که سبب ایجاد آرامش، تحکیم عقاید دینی، امیدواری و شادابی، و القای حس اعتمادبه‌نفس به دانش‌آموزان می‌شود. ۷۶ درصد رنگ‌های غالب با متن درس ارتباط نزدیکی دارند که به ترتیب طیف رنگ سبز، قهوه‌ای و آبی، فراوانی بالاتری در مقایسه با سایر رنگ‌ها داشته‌اند.

DOI:

واژه‌های کلیدی:

پایه هشتم
تصویر
رنگ
کتاب فارسی
متن درس

۱. نویسنده مسئول

تاریخ دریافت:

تاریخ بازنگری:

تاریخ پذیرش:

شماره صفحات:

۱. مقدمه

تصاویر جزء جدایی‌ناپذیر کتاب‌های آموزشی به‌ویژه در سنین کودکی و نوجوانی هستند؛ زیرا آنها را در درک بهتر متن، تقویت حافظه بصری، و ماندگاری و یادآوری متن درس‌ها یاری می‌رساند. از این رو، تصاویر باید مقید به متن باشد و سبک و طراحی مورد استفاده آنها باید منطبق با توانایی‌های شناختی و سواد بصری دانش‌آموزان باشد. در واقع، سطح خوانایی و دلالت‌گری تصویر از یک سو، و قدرت و خلاقیت آنها از سوی دیگر، باید آنچنان باشد که نگاه دانش‌آموزان را فراتر از آنچه متن به روی او گشوده است، بگشاید. نکته دیگر، تناسب سبک هنرمند با موضوع و محتوای کتاب است که طبعاً تفاوت ماهوی کتاب‌ها در تصاویر آنها منعکس می‌شود (قزل‌ایاغ، ۱۳۹۸: ۶۷). بنابراین، تصاویر به‌عنوان یکی از

تکنیک‌های بصری در کتاب‌های آموزشی به‌ویژه در دروسی که با مفاهیم انتزاعی و اخلاقی همچون ادبیات فارسی مرتبط هستند، نه تنها اولین ارتباط و تماس را با دانش‌آموز برقرار می‌کنند؛ بلکه همراه با متن در انتقال معنا مؤثرند.

از سویی، یکی از مهم‌ترین عناصر قابل بررسی در تصاویر، نحوه رنگ‌آمیزی و کاربرد طیف رنگ‌ها در آنهاست که ضمن سازگاری با ویژگی‌های شخصیتی و شناختی دانش‌آموزان نوجوان باید معنا بخش و تقویت‌کننده محتوای درس نیز باشد. برخی روانشناسان می‌گویند: «رنگ عبارت است از ارتعاش نسبی انرژی و ضبط آن به وسیله سلول‌های محیطی که پس از انتقال به مغز، اثر آن متظاهر می‌شود» (علی‌اکبرزاده، ۱۳۹۷: ۱۰). رنگ‌ها از لحاظ رنگ‌مایه، به سه دسته اصلی و پایه (مثل قرمز، آبی و زرد)، ثانویه (مثل سبز، نارنجی و بنفش) و میانه (مخلوطی از رنگ‌های گروه اول و دوم همچون سبز مایل به آبی) تقسیم می‌شوند. همچنین، بر اساس ارتباطات کهن و بین‌المللی، رنگ‌ها به دو دسته گرم (نارنجی، زرد، قرمز و ...) و سرد (آبی، سبز، خاکستری و ...) طبقه‌بندی می‌شوند (پورفخاران و نوری، ۱۳۹۱: ۶۶). در تمام اشکال و ارتباطات غیرکلامی، رنگ یکی از سریع‌ترین روش‌های انتقال پیام و معانی است. در واقع، در میان انواع پیام‌ها، رنگ به‌شدت با تمام احساسات آدمی در ارتباط است و ضمن تحریک آن، نماد ذهنیات انتزاعی و افکار گوناگون است و همزمان بیانگر سرخوشی، آرزوی تکامل و یادآور زمان و مکان دیگری است که باعث ایجاد حس زیباشناختی و یا واکنش‌های احساسی در انسان می‌شود (آیزمن، ۱۳۹۰: ۱۰). هر فردی بر اساس شخصیت و حالات روحی خود متمایل به رنگی و گریزان از رنگ دیگر است. بزرگسالان اغلب به‌طور ارادی و آگاهی‌های کسب‌شده، در انتخاب رنگ مداخله دارند؛ اما درباره کودکان و نوجوانان این‌گونه نیست؛ زیرا آنها صادق‌تر و در دنیای آنها رنگ‌ها واقعی‌تر جلوه می‌کنند و درک احساسات و حالات نوجوانان با توجه به رنگ‌هایی که انتخاب می‌کنند، مطمئن‌تر و آسان‌تر است. به همین سبب، با تغییرات رنگی پیرامونشان می‌توان تأثیرات عمیقی در روحیات آنان مشاهده کرد (پورحسینی، ۱۳۸۴: ۱۰). از این رو، رنگ‌ها به عنوان یکی از مؤلفه‌های پایه‌ای ادراک و تجربه انسانی، نقش بی‌بدیلی در شکل‌گیری و انتقال مفاهیم و احساسات به دانش‌آموزان ایفا می‌کنند. استفاده از رنگ به‌عنوان یک ابزار تأثیرگذار، می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر یادگیری، حافظه و روحیات دانش‌آموزان بگذارد؛ از جمله این اثرات افزایش تمرکز و توجه، تحریک خلاقیت، یادآوری و حافظه، تسهیل یادگیری مفاهیم، توسعه حس اجتماعی و همکاری، کاهش استرس و اضطراب، تنوع فرهنگی و هویتی است؛ مثلاً رنگ‌های گرم (قرمز، نارنجی و زرد) سبب برانگیخته‌شدن حس هیجان و انرژی در آنان شده یا رنگ‌های سرد (آبی و سبز) سبب افزایش آرامش و تمرکز آنها در محیط یادگیری می‌شود (لوشر، ۱۳۷۶: ۵۳).

بر اساس مطالب مذکور، دقت در انتخاب تصاویر و رنگ‌ها در کتب درسی و تماس طولانی‌مدت دانش‌آموزان با آنها سبب می‌شود به مرور، تأثیرات گسترده‌ای در جسم و روح او ایجاد شود؛ به‌خصوص در سنین نوجوانی که او تحت تأثیر هیجانات دوران بلوغ و هویت شخصی قرار دارد و با فاصله‌گیری از دوران کودکی، قادر به درک مفاهیم و معانی عمیق‌تری از تصاویر و رنگ‌هاست؛ هر چند که تأثیر عوامل دیگر نظیر تجربیات شخصی، مسائل فرهنگی و اجتماعی و نوع شخصیت دانش‌آموز را نمی‌توان در این زمینه نادیده گرفت. در دوره متوسطه اول، کتاب فارسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای آموزشی، نقش مؤثری در تقویت مهارت‌های زبانی و ادبی دانش‌آموزان دارد. این کتاب علاوه بر انتقال دانش، بایستی جذابیت‌های بصری کافی برای برانگیختن علاقه‌مندی و تمرکز دانش‌آموزان را نیز در خود جای دهد. این پژوهش بر آن است تا ضمن ارائه بینشی از ویژگی‌های تصویر و رنگ در کتاب فارسی هشتم، راهکارهایی برای بهبود اثربخشی آموزشی این کتاب ارائه دهد و به معلمان و مؤلفان محتواهای درسی کمک کند تا در طراحی و تدوین منابع آموزشی خود، از قدرت تصاویر و رنگ‌ها به‌طور مؤثرتری استفاده نمایند. بنابراین، در این تحقیق تلاش می‌شود تا دریابیم تصاویر و رنگ‌های مورد استفاده در کتاب فارسی هشتم چه ویژگی‌هایی دارند و تا چه حد تناسب و سازگاری میان تصاویر و رنگ‌های به‌کاررفته با محتوا و متن درس‌ها وجود دارد و چگونه استفاده از تصاویر و رنگ‌های مختلف

می‌تواند بر یادگیری و درک مفاهیم توسط دانش‌آموزان اثرگذار باشد. همچنین، در پایان، نکات مثبتی که بتواند در طراحی بصری بهینه‌تر این کتاب به کار رود، پیشنهاد شده است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

مقالات و تحقیقات متعددی درباره نقد و تحلیل تصاویر و رنگ‌های مورد استفاده در کتب آموزشی انجام شده است؛ از جمله، ایرانی و فتاحی چالانچی (۱۴۰۲) در پژوهشی با هدف تحلیل وضعیت کیفیت و ارتباط تصاویر کتاب فارسی پایه پنجم با متن دروس، به این نتیجه رسیده‌اند که میزان ارتباط تصاویر با متن درس ۸۳ درصد است و ۱۷ درصد نیازمند بازنگری بیشتر است و نیز، میزان انطباق تصاویر با مسائل فرهنگی و نیازهای روز جامعه ۹۳ درصد برآورد شده است. همچنین، آقایی (۱۳۹۰) در پژوهش خود بیان کرده است که تصویرسازی کتاب‌های فارسی سه‌پایه (چهارم، پنجم و ششم) ۵۰ درصد با متن مطابقت داشته و در بخش کیفی میزان همگامی متوسط-ضعیف بوده است. پژوهش دیگری توسط بهرام‌بیگی (۱۳۹۵) انجام شده است که نویسنده به پیدایش تصویر، اهمیت آن در یادگیری و به‌خاطر سپاری مطالب، روش چیدمان تصاویر در کتاب برای استفاده بهینه از آنها در درک مطالب، نقش رنگ در تصویر و آموزش و همچنین، تأثیر وجود تصویر در یادگیری زبان فارسی و زبان بیگانه پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که یک تصویر از آنجا که می‌تواند چند جمله را در ذهن فراگیر ایجاد کند، با همراه کردن رنگ در بخش‌های مختلف تصویر، می‌توان به آموزش زبان بیگانه به شیوه راحت‌تر پرداخت؛ به‌ویژه زبانی که فراگیر هیچ آشنایی با آن ندارد. کاظمی‌میرکی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با هدف بررسی تأثیر رنگ‌ها بر روی یادگیری و آموزش دانش‌آموزان مقطع ابتدایی به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده از رنگ‌ها متناسب با ویژگی‌های هر کدام از آنها در کتاب‌های درسی، فضای کلاس و حیاط مدرسه، وسایل کمک آموزشی مورد استفاده در تدریس و حتی به‌کارگیری رنگ‌های متنوع در لباس‌های دانش‌آموزان، منجر به ایجاد شرایط مناسب برای یادگیری دانش‌آموزان می‌شود. موسوی‌زوارق و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر رنگ‌ها و اشکال هندسی در بهبود یادگیری حروف الفبا در کودکان پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده از رنگ‌ها و اشکال هندسی، حس خلاقیت و نوآوری را برای نوشتن داستان (متون ادبیاتی از قبیل داستان و شعر) در کودکان تحریک می‌کند و نیز، استفاده از اشکال و رنگ‌های گوناگون در آموزش مطالب و تشویق کودکان به استفاده از اشکال و رنگ‌بندی‌های متنوع باعث افزایش ترکیب بصری و سازماندهی بهتر محتوای آموزشی می‌شود. در این زمینه، کتابی توسط سالزبری (۱۴۰۲) نوشته شده است که در آن به تکنیک‌ها و مهارت‌های آفرینش تصویر و تأثیرگذاری آن بر ذهن کودکان پرداخته شده است. همچنین، اکرمی (۱۳۹۵) در کتاب خود، شناسه‌های دیداری هنر نقاشی و دریافتی ادبیات را در تصویرگری کتاب‌های کودکان مورد بررسی قرار داده است. با وجود این تحقیقات و سایر پژوهش‌های صورت گرفته، تاکنون درباره ویژگی‌های تصاویر و رنگ‌های کتاب فارسی هشتم و میزان ارتباط آنها با متن درس، پژوهشی انجام نشده است؛ همچنین، در این پژوهش ویژگی‌های تصاویر و رنگ‌ها از زوایای متعدد بررسی شده که تاکنون به آنها پرداخته نشده است.

۲-۱. روش

روش پژوهش حاضر از جهت هدف، کاربردی و از نظر شیوه جمع‌آوری داده‌ها، کیفی و از نوع تحلیل محتواست. جامعه مورد مطالعه، شامل تصاویر و رنگ‌های کتاب فارسی هشتم (۱۴۰۳) به صورت شمارشی است؛ به عبارت دیگر، نمونه-گیری صورت نگرفته و تمام صفحات درس‌ها (شامل ۱۱۹ صفحه)، بررسی شده است. روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه-

ای و به روش تحلیل محتواست و از طریق فیش‌برداری و بررسی اسناد و مدارک، اطلاعات لازم جمع‌آوری شده‌اند. در ضمن، برای تعمیق تحلیل‌ها و مستدل‌تر شدن نتایج، آمار و بسامدی از مؤلفه‌های مورد بررسی ارائه شده‌است.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. ویژگی تصاویر کتاب فارسی هشتم

تعداد تصاویر به‌کاررفته در کتاب فارسی هشتم ۵۹ تصویر است که نشان‌دهنده این است که ۴۹ درصد صفحات دارای تصویر است؛ البته در این شمارش، تصاویر مکرر در صفحات مختلف نیز در نظر گرفته شده است و ملاک برای شمارش تصاویر، وجود تصویر در هر صفحه است. در زمینه ارتباط تصاویر با متن کتاب باید گفت که در اغلب موارد این ارتباط برقرار است و صرفاً در ۹ مورد این پیوند ضعیف و گسیخته شده است که می‌توان به تصاویر صفحات ۴۲، ۳۷، ۳۰، ۵۱، ۵۲، ۷۵، ۸۶، ۸۸ و ۱۲۷ اشاره کرد. همچنین، چهار درس در این کتاب (درس ۱۲، دو درس آزاد و روان-خوانی نام‌ها و جای‌ها)، در کل تصویر ندارند. در جدول زیر، بسامد وضعیت ارتباط تصاویر با متن درس‌ها ذکر شده و سپس، تحلیل‌های لازم بیان شده است.

جدول ۱. وضعیت ارتباط تصاویر با متن درس‌ها

وضعیت ارتباط	بسامد
ارتباط با بیشتر متن	۵
ارتباط با بخشی از متن	۳۰
ارتباط نمادین با متن	۱۵
بی‌ارتباط با متن	۹

در توضیح جدول بالا باید گفت تصویر حکایت «به خدا چه بگویم؟» (فارسی هشتم، ۱۴۰۳: ۱۶)، تصویر شعر «صورتگر ماهر» (همان: ۲۰)، تصویر صفحه نخست، دوم و سوم درس «پرندۀ آزادی» (همان: ۱۱۵-۱۱۷) بیشترین ارتباط مستقیم را با متن و محتوای درس دارند. مثلاً درس «پرندۀ آزادی» دارای دو بخش است: بخش اول با عنوان «پرندۀ آزادی» شعری از محمود درویش، درباره نوجوان فلسطینی (محمدالدوره) است که بر اثر تیراندازی و قساوت قلب نیروهای اسرائیلی در آغوش پدر به شهادت می‌رسد. تصویر این درس، همراستا با محتوای شعر، ترسیم‌کننده لحظه شهادت نوجوان فلسطینی در آغوش پدری است که در پشت سکویی پناه گرفته است و نیم‌رخ این نوجوان نیز در پیش‌زمینه تصویر برجسته شده که به مخاطب خود نگاه معنادار و آگاهی‌بخشی دارد. همچنین، در بخش دیگر تصویر، کبوتر سفیدرنگی مشاهده می‌شود که در حال پرواز به سوی آسمان است. همجواری این دو تصویر، القاگر این مفهوم به ذهن دانش‌آموز است که روح پاک محمدالدوره و دیگر نوجوانان و کودکان مظلوم فلسطینی پس از شهادت، از رنج و سختی‌های زندگی دنیوی رهایی می‌یابد و به سوی آرامش و جاودانگی پرواز می‌کند که این مضمون در سراسر شعر نیز آمده است: «محمد در آغوش پدر/ چونان پرندۀ ای بیمناک/ آشیان دارد ... پس ای محمد، صعود کن/ صعود کن تا سدره‌المنتهی...» (همان: ۱۱۴-۱۱۵). همین برداشت را می‌توان در نمادشناسی کبوتر نیز مشاهده کرد: «کبوتر نماد

خلوص، سادگی، صلح، هماهنگی، امید و خوشبختی بازیافته است. در تمام تصاویر حیوانات بالدار، کبوتر تصویر غریزه‌ای متعالی و به‌خصوص تصویر عشق است. کبوتر اغلب نشانه آن گوهر زوال‌ناپذیری است که انسان در اختیار دارد؛ یعنی اصل حیاتی‌اش، روح. به نقل از گرگوریوس نیسایی، هرچه روح به نور نزدیک‌تر می‌شود، زیباتر شده و در نور به شکل کبوتری درمی‌آید و شاید از اینجاست که عاشق، معشوق خود را روح یا کبوتر می‌خواند» (شوالیه و گربران، ۱۳۸۵، ج ۴: ۵۲۶). از سوی دیگر، کبوتر سفید که نمادی از صلح و امید به آینده است، در تضاد با شهادت نوجوان فلسطینی قرار می‌گیرد که این امر، بیانگر واقعیت تلخ و دردناک خشونت و از دست‌دادن صلح در میان ملت‌هاست که در متن درس به این وقایع دردناک نیز اشاره شده است. در بخش دوم همین درس، شعری از نزار قبّانی با عنوان «کودکان سنگ» درباره نوجوانان و دانش‌آموزان مبارز فلسطینی است که در برابر رژیم غاصب اسرائیل ایستادگی کرده‌اند و آینده کشورشان را با آزادی و رهایی از ظلم رقم خواهند زد. در این درس، دو تصویر از کودک و نوجوان فلسطینی آمده که با سنگ‌هایی در دست به مبارزه با نیروهای اسرائیل پرداخته‌اند. در تصویر صفحه اول، تناقض‌های دردآوری مشهود است که در متن درس نیز به آنها اشاره شده است؛ از جمله، تقابل قساوت قلب سربازان سراپا مجهز و آموزش‌دیده با معصومیت کودکان بی‌دفاع و بدون سلاح، عقب‌نشینی و هراس در برابر شجاعت و شهامت، و تجاوز به حریم خانه در برابر حمایت از زادگاه مادری. کودک فلسطینی در حال پرتاب سنگ، لباس ارتشی بر تن دارد که القاگر این است که لایایی و خط‌مشی مادران فلسطینی برای نوزادانشان از همان ابتدا، نوای رزم و آزادگی است و آنان را دلاور و ظلم‌ناپذیر تربیت می‌کنند. در تصویر صفحه دوم این بخش، نوجوان فلسطینی در میان علفزار و با دست‌هایی پر از سنگ مشاهده می‌شود که در حال پرتاب سنگ به سوی دشمن در دوردست است؛ گویی همان کودک صفحه قبل است (نسل‌های پی‌درپی) که پس از سال‌ها همچنان با ابتدایی‌ترین سلاح که نشانه مقاومت و عصیان در برابر ظلم و اشغالگری است، ایستادگی می‌کند و تا زمان آزادی سرزمینش، دست از عقیده و باور خویش نمی‌کشد. کاربرد عناصری همچون علفزار، آسمان و لباس نوجوان در تصویر، نمادی از مقاومت و ایستادگی است که در ضمن، پیوند عمیق این سرزمین را با ارزش‌های مذهبی و دینی (به عنوان خاستگاه پیامبران) نشان می‌دهد که در متن درس نیز، آن را همچون درخت زیتون، مقاوم و امیدوار به آینده ترسیم می‌کند (ر.ک فارسی هشتم، ۱۴۰۳: ۶۰)؛ همچنین، علفزار سبزرنگ در تصویر، مرگ مقدس فلسطینیان در راه آزادی و آزادگی را نمایان می‌سازد و آسمان آبی نیز، آزادی، رهایی، وفاداری و حقانیت فلسطینیان را در بازپس‌گیری سرزمینشان القا می‌کند. بنابراین، ترکیب این عناصر در تصویر، نشان‌دهنده هماهنگی مقاومت و امید و عشق به سرزمین مقدس است که همه این مفاهیم در متن شعر بازتاب یافته است (همان: ۱۱۶-۱۱۷).

برای ارتباط تصویر با بخشی از متن درس، می‌توان به درس هفدهم با عنوان «راه خوشبختی» اشاره کرد که درباره غنیمت‌شمردن زمان و ارزشمندی عمر و دوران نوجوانی است. در صفحه نخست درس، تصویر کشتی طوفان‌زده در حال غرق شدن ثبت شده که در دوردست آن، دو کشتی دیگر با امنیت و سلامت در حال عبور از طوفان دریا هستند. این تصویر، عینیت‌بخش طلوع درس است؛ آنجا که شکسپیر می‌گوید: «روزگار، دریایی است که کشتی زندگانی ما بر روی آن به سوی ساحل مقصود می‌رود. این دریای بزرگ، همیشه، در جزر و مدّ است. اگر امروز آرام باشد، مسلماً فردا طوفانی خواهد شد؛ بنابراین، وقتی آرام است، فرصت را غنیمت بشمارید. بسا اشخاص که در نتیجه غفلت از گذر عمر استفاده نکردند و به اعماق این دریا فرو رفتند» (همان: ۱۲۰). بنابراین، کشتی طوفان‌زده و در حال غرق، بنابر متن درس همان انسان‌های غافل و کاهل است که خود را برای حوادث ناگوار روزگار آماده نکرده‌اند و در برابر پیشامدهای سخت، توان ایستادگی و صبوری ندارند و در مهلکه می‌افتند؛ همچنین، طبق بخش نخستین درس، حضور کشتی در دریای مواج، می‌تواند به زیبایی پیچیدگی‌ها، چالش‌ها و فرصت‌های دوران نوجوانی را نشان دهد. این دوره، دوره‌ای پر از تغییرات جسمی و روحی، عدم اطمینان و جستجوی هویت و خودشناسی است؛ از این رو، نوجوان باید مهارت‌های تصمیم‌گیری، حل مسئله و کنترل احساسات خود را توسعه دهد. این مهارت‌ها به او کمک می‌کنند تا با امواج سهمگین زندگی (دریا) مقابله کند و به سلامت به ساحل برسد که به همه این مفاهیم در بخش‌های مجزای درس اشاره شده

است (همان: ۱۲۱-۱۲۲). اما دو کشتی دوردست، همان انسان‌های آینده‌نگر و تلاشگری هستند که با خودسازی و برنامه‌ریزی به آسودگی از موانع و دشواری‌ها عبور می‌کنند که با بخشی از درس ارتباط دارد: «ای کسی که دوره نوجوانی را می‌گذرانی و از فرط غرور گمان می‌کنی روزگار درازی در پیش داری، حساب کار خود را داشته باش که روزگار، چون باد و ابر، ناپایدار و گذراست و ...» (همان: ۱۲۱).

در زمینه ارتباط نمادین تصاویر با متن درس می‌توان به صفحات ۷، ۱۱، ۲۹، ۳۸، ۴۳، ۴۷، ۵۴، ۵۵، ۸۳، ۸۷، ۸۹، ۹۶، ۹۹، ۱۰۷، ۱۱۳ اشاره کرد؛ مثلاً در تصویر روان‌خوانی فصل ششم با عنوان «آن سوی پنجره» که یکی از زیباترین و هنرمندانه‌ترین تصاویر کتاب فارسی هشتم است، چهره بدون موی شخصیت اصلی داستان بر روی تخت با چشمانی بسته ترسیم شده است که نمادی از بیماری صعب‌العلاج اوست. او مشغول فکرکردن به مناظر زیبای طبیعی است که هم‌اتاقی‌اش در حال توصیف آنهاست؛ به همین سبب، از بالای سر او، شاخه‌هایی با گل سرخ و پرنده‌ای سفیدرنگ در حال تراوش است که نمادی از قوه خیال‌پردازی اوست. در آن سو و پای پنجره رنگارنگ (که مظهری از دنیای آرمانی شخصیت است)، هم‌اتاقی نابینای او با لباس سفید ترسیم شده است که دو بال سفید فرشته‌گون دارد که این امر به شکل نمادین، روح پاک و بهشتی او را جلوه‌گر می‌سازد. حال و هوای فانتزی و خیالی بر تصویر حاکم است و از این رو، از فضایی ابری و آسمانی و تلفیق رنگ طیف آبی (آبی روشن و آسمانی) و سفید استفاده برجسته شده است. این فضا، در مرتبه اول، مظهری از پرواز قوه خیال و فکر انسان در محیطی سرشار از آرامش، در مرتبه دوم، القاگر پرواز نمادین روح فرد نابینا به آسمان و در مرتبه بعد، نشان‌دهنده وجود فضایی روح‌بخش و امیدآفرین میان دو هم‌اتاقی است. علاوه بر وضعیت ارتباط تصویر با متن، ویژگی‌های آنها نیز باید مد نظر قرار گیرد؛ زیرا هر کدام از آنها می‌تواند دارای بار ارزشی و معنایی مخصوص به خود باشد که در جدول زیر به آنها اشاره شده و سپس، به تحلیل و بررسی آنها پرداخته می‌شود.

جدول ۲. ویژگی‌های تصاویر کتاب فارسی هشتم

ویژگی تصویر	مؤلفه‌ها	بسامد
موقعیت قرارگیری تصویر در صفحه	در حاشیه	۴۲
	در متن و زمینه	۱۷
	عکس	۲۰
نوع تصویر	نقاشی	۳۶
	تلفیق عکس و نقاشی	۳
تازگی یا تکراری بودن تصویر	تکرار تصویر در ابعاد مختلف	۱۳
	تازگی تصویر	۴۶
تناسب با عصر و ذهنیت نوجوان امروز	سازگار	۴۶

۱۳	ناسازگار	
۴۴	روبه‌رو	
۹	بالا	زاویه دید تصویر
۶	پایین	
۲۷	درشت یا از نزدیک	
۲۵	دور یا با فاصله	نمای تصویر
۷	تلفیقی از دور و نزدیک	

دربارهٔ موقعیت قرارگیری تصاویر در هر صفحه، همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، ۴۲ مورد (۷۱ درصد) در حاشیه صفحات و اغلب در حاشیهٔ فوقانی عنوان درس (صفحهٔ نخست) قرار دارند که این امر ضمن اینکه موجب جلب انگیزه و توجه دانش‌آموز برای شروع درس می‌شود، سبب ایجاد پیش‌زمینه و القای فضای کلی درس برای درک بهتر محتوا شده و همچنین، می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا ارتباط بین متن درس و دنیای واقعی را درک کنند؛ مثلاً در درس چهاردهم (یاد حسین علیه‌السلام)، تصویر نوجوان با لباس تعزیه در حاشیهٔ فوقانی عنوان درس، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا با چنین هنر نمایشی و محتوای آن ارتباط بهتر برقرار کنند و به سبب روایتی با چنین هنری در مراسم‌های مذهبی، ارتباط عاطفی قوی‌تر با متن داشته باشند. ضمناً، چنین تصاویری، مفاهیم پیچیده را ساده و ملموس می‌سازند؛ این امر به‌ویژه در کتاب فارسی که با مفاهیم انتزاعی و اخلاقی سر و کار دارد، حائز اهمیت است و از این طریق، حافظهٔ بصری دانش‌آموزان و یادآوری مطالب توسط آنها بهبود می‌یابد.

نوع تصاویر مورد استفاده در کتاب فارسی هشتم نیز عمدتاً از نوع نقاشی (۶۱ درصد) است که کیفیت ۲۹ مورد (۸۰ درصد) از نقاشی‌ها مطلوب است و در نمایش مطالب درس، راهگشا و انگیزه‌بخش هستند؛ مثلاً می‌توان به تصاویر صفحات ۱۱، ۱۷، ۱۹، ۲۵، ۲۹، ۴۸، ۴۹، ۸۰، ۱۲۵ و ... اشاره کرد که مفاهیم عقلانی نظیر زیبایی، مهرورزی و ایثار، رشد و شکوفایی، احترام به والدین و ... را با وضوح و جزئیات بیشتر در حافظه دانش‌آموزان ثبت می‌کنند و در نتیجه، آنها درک و ارتباط عمیق‌تری با موضوع درس پیدا می‌کنند. البته تعداد ۷ مورد، همچون تصاویر صفحات ۱۲، ۷۵، ۷۶، ۳۸، ۵۹، ۶۰، ۸۶ کیفیت مطلوبی ندارند که این امر موجب ایجاد ابهام، سردرگمی و سوءبرداشت برای دانش‌آموزان می‌شود؛ مثلاً، تصویر مبهم و نامشخص صفحهٔ ۱۲، سبب شده که دانش‌آموزان دربارهٔ ویژگی‌های شخصیت ترسیم‌شده در تصویر، همچون سن، زبان بدن، ویژگی‌های جسمی و ... هیچ درکی نداشته باشند؛ حتی تصویر محیط پیرامونی او هم به شکل مبهم ترسیم شده است. از این رو، در چنین درس‌هایی، تصاویر بی‌کیفیت و نامناسب، جذابیت درس و میزان علاقه و انگیزه دانش‌آموزان را برای خواندن و یادگیری آنها کاهش داده‌است؛ در نتیجه، معلم ممکن است مجبور شود وقت بیشتری را صرف توضیح دادن و تشریح مفاهیم کند و در نتیجه، کارایی تدریس کاهش یابد.

در نگاهی دیگر، تصاویر صفحات ۵۳، ۵۴، ۴۸، ۳۸، ۸۳، ۱۱۶، ۱۱۵ و ۱۱۷ به دلیل ترسیم محیط و ابزارهای جهان مدرن همچون رایانه و فناوری، مبارزه و مقاومت فلسطینیان با رژیم غاصب صهیونیستی، ورزش‌های گروهی همچون کوهنوردی، و مهربانی مادر به فرزند، پیوستگی و سازگاری بسیاری با ذهنیت نوجوان عصر امروزین دارند؛ مثلاً در درس هفتم، بخش جداگانه‌ای وجود دارد که در صفحهٔ نخست آن، تصویر دختر نوجوانی با روسری بنفش ترسیم شده که

مشغول کار با رایانه است و سه واژه «انسان»، «فناوری» و «اخلاق» درون صفحه نمایش او برجسته شده است. پس- زمینه تصویر، قطعاتی از طیف رنگ آبی و نیز در حاشیه متن درس (هر سه صفحه)، رشته‌هایی که نمادی از ارتباطات دیجیتال و فضای مجازی است، ثبت شده است. رنگ بنفش روسری دختر، «کیفیت آینده‌نگر بودن را می‌رساند که جواب‌گوی عصر جدید و مدرن است؛ زیرا شکستن مرزهای تکنولوژی را تداعی می‌کند» (آیزمن، ۱۳۹۰: ۵۱). رشته‌های آبی‌رنگ می‌توانند نمادی از شبکه‌های ارتباطی باشند. همچنین، قطعات آبی ثبت‌شده در تصویر، سیالیت و پویایی فضای مجازی را القا می‌کند؛ همان‌گونه که آب در جریان است، این قطعات می‌توانند نشان‌دهنده جریان مداوم اطلاعات در مناطق متعدد دنیا و آشنایی افراد بسیار با یکدیگر در بستر فضای مجازی باشند؛ در نتیجه، می‌توان گفت دانش‌آموز به سبب کار مستمر با تجهیزات دنیای فناوری، درک بهتری از تصاویر این بخش و به تبع آن، فهم عینی‌تری از محتوای درس پیدا می‌کند.

برخلاف این مثال‌ها، در ۱۳ مورد که اغلب مربوط به حکایت‌های کتاب است، به دلیل ترسیم محیط کهنه و قدیمی و شخصیت‌هایی با پوشش اعصار گذشته، پیوند ضعیفی میان درک و ذهنیت دانش‌آموزان با چنین تصاویری ایجاد شده است؛ مثلاً می‌توان به حکایت‌های «به خدا چه بگویم؟» (فارسی هشتم، ۱۴۰۳: ۱۶)، «فوت کوزه‌گری» (همان: ۳۵)، «خودشناسی» (همان: ۵۸)، «نام خوشبو» (همان: ۸۰)، «ان‌شاءالله» (همان: ۹۳)، و درس‌هایی مثل «ارمغان ایران» (همان: ۳۰)، «آزادگی» (همان: ۵۹)، «راه خوشبختی» (همان: ۱۲۰) و ... اشاره کرد. مثلاً درس سوم با عنوان «ارمغان ایران» درباره توصیه میرجلال‌الدین کزازی به نوجوانان ایران‌زمین به‌منظور پاسداشت کشور و عشق‌ورزی به مفاخر آن است. در صفحه نخست این درس، تصویر خانه‌ای قدیمی و روستایی با المان‌های مخصوص به خود همچون سکوی ورودی و در چوبی کلون‌دار ترسیم شده است که بر روی سکو، کوزه سبزه‌کاری‌شده، قرص نان و شاخه گل یاس قرار دارد. سبب سرخ رنگی نیز در پایین سکو قرار گرفته است. اگرچه ترکیب این عناصر، تصویری جامع و زیبا از ایران-دوستی و پاسداشت فرهنگ ایران را تشکیل می‌دهد؛ اما نوجوان امروزین به‌واسطه آشنایی اندکی با چنین محیطی دارد، شاید نتواند ارتباط معناداری میان تصویر و متن درس برقرار سازد.

از سوی دیگر، تصاویر از لحاظ زاویه دید نیز قابل توجه هستند؛ زیرا «هر عکس و تصویری نشان‌دهنده جانبداری عکاس و طراح است؛ خواه جانبداری آگاهانه خواه ناآگاهانه. عکس بیش از آنکه چیزی یا کسی یا جایی را نشان دهد، نگاه عکاس (طراح) را نشان می‌دهد و نه واقعیت خام و پردازش‌نشده را. از این رو، آنچه در عکس می‌بینیم خود واقعیت نیست؛ بلکه برداشت عکاس (طراح) از واقعیت است» (پاینده، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۹). بیشترین تصاویر ثبت‌شده در صفحات کتاب فارسی هشتم، از زاویه دید روبه‌روست. عکسی که از روبه‌رو از شخصی برداشته شده باشد، بیننده را در جایگاهی برابر با شخص مورد نظر قرار می‌دهد. این زاویه در کتاب فارسی هشتم معمولاً برای نمایش طبیعی و متعادل، و القای احساس واقعیت و صداقت به‌خصوص در درس‌هایی که هدف نمایش مستقیم زیبایی و شگفت‌انگیزی طبیعت و عناصر آن است (مثل صفحات ۲۰، ۲۹، ۴۲، ۱۲۷ و ...) کاربرد دارد؛ مثلاً نمایش تصاویر خفاش و طاووس از روبه‌رو در درس «خوب جهان را ببین» (فارسی هشتم، ۱۴۰۳: ۱۷-۱۹) سبب شده متناسب با عنوان درس مبنی بر مشاهده دقیق مخلوقات خداوند، احساس صداقت و رویارویی با واقعیت به شکل عادلانه و بی‌واسطه در دانش‌آموز تقویت شود و شگفتی و زیبایی چنین موجوداتی بهتر درک شود. همچنین، انتخاب این زاویه دید در درس‌هایی همچون «جوانه و سنگ» (همان: ۲۵)، «راه نیکبختی» (همان: ۴۸)، «پیش از اینها» (همان: ۱۲) و حکایت‌های «فن کوزه‌گری» (همان: ۳۵)، «نام خوشبو» (همان: ۸۰)، «به خدا چه بگویم» (همان: ۱۶) و ... که در آنها مباحث اجتماعی، فرهنگی و انسانی مطرح شده است، موجب شده که دانش‌آموز درک واضحی از واقعیت‌ها و ارزش‌های زندگی اجتماعی داشته باشد. از سوی دیگر، زاویه دید از بالا در درس‌هایی نظیر «شوق آموختن» (همان: ۱۰۲-۱۰۵) احساس محدودیت، مظلومیت و ایثار رزمندگان اسلام را در مواقع دشواری همچون اسارت بهتر به دانش‌آموز القا می‌کند و در عین حال، متناسب با

متن درس، احساس ضعف و نیاز شخصیت اصلی داستان (حسین علی) را به سوادآموزی آشکارا نمایش می‌دهد: «عکس‌برداری از بالا، با قراردادن شخص در موقعیتی پایین یا فرومرتب، بیننده را در موضع قدرت و شخص را در موقعیتی ضعیف نشان می‌دهد» (پاینده، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۹). همچنین، استفاده از زاویه دید پایین در نمایش پرچم جمهوری اسلامی ایران در بی‌کرانگی آسمان در درس «پرچم‌داران» (فارسی هشتم، ۱۴۰۳: ۸۲-۸۳) کاملاً تداعی‌گر قدرت و عظمت هویت و ملیت ایرانیان است و حس شکوهمندی و افتخار به میهن را در ضمیر دانش‌آموز شعله‌ور می‌سازد.

درباره کاربرد نوع نمای تصاویر نیز تقریباً هر دو نمای نزدیک و دور با اختلاف کمی به شکل متعادل در تصاویر کتاب استفاده شده‌اند؛ در واقع، آنجا که هدف ایجاد ارتباط قوی‌تر عاطفی و نمایش جزئیات چهره و عناصر محیطی است، از نمای نزدیک (Close-up) استفاده شده‌است؛ مثلاً در درس «ادبیات انقلاب» (همان: ۹۴) برای اینکه متناسب با متن درس، اشتیاق و دلسپردگی مردم ایران به امام خمینی (ره) نشان داده شود، تصویر بانوی ایرانی با حجاب اسلامی از نمای نزدیک نمایش داده شده که با برجسته‌شدن جزئیات چهره و زبان بدنش (گذاشتن دست روی سینه، درهم‌کشیدن صورت و داشتن حالت گریه شوق‌آمیز) نوعی همدلی عاطفی و همذات‌پنداری در وجود دانش‌آموزان متجلی می‌شود و آنان به فضای احساسی درس نزدیک‌تر شده و یادگیری عمیق‌تری را تجربه می‌کنند؛ همان‌گونه که در بخشی از متن درس گفته شده: «دل‌سپاری رهبر و مردم به توحید و ایمان الهی، آنچنان این دو را به هم پیوند زد که دوگانگی از میان برخاست» (فارسی هشتم، ۱۴۰۳: ۹۴). همچنین، نمای دور (Wide shot) در تصاویری از کتاب استفاده شده است که هدف القای حال و هوا و فضای کلی محیط همچون تصاویر درس‌های «راه خوشبختی» (همان: ۱۲۰) یا حکایت «نام خوشبو» (همان: ۸۰) و آشنایی دانش‌آموزان با موقعیت‌های تاریخی، فرهنگی یا طبیعی، از جمله آشنایی با مظاهر تمدن ملی و اقلیمی (همان: ۳۰، ۱۲، ۸۳) و به‌ویژه نمایش عظمت و زیبایی گسترده طبیعت است (همان: ۱۲، ۲۰، ۴۲، ۷۶، ۵۱، ۵۲، ۸۶، ۸۸ و ...). مثلاً در درس نیایش (همان: ۱۲۷) تصویری با نمای باز از طبیعت سرسبز، خورشید درخشان و آسمان آبی در برابر دیدگان دانش‌آموزان قرار می‌گیرد که بی‌کرانگی افق و گستردگی محیط، احساس آرامش و معنویت دلخواهی را در وجود آنان برمی‌انگیزد. همچنین، نمای دور در معرفی مشاغل و ارتباطات بین شخصیت‌های حاضر در درس‌ها، مثل رابطه مادر و کودک، چوپان و مسافر، بافنده و حاکم، پیرمرد خارکش و جوان مغرور، نقش بسزایی دارد (همان: ۱۶، ۳۸، ۴۸، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۷۵). علاوه بر ویژگی‌های مذکور می‌توان به ارزش‌های قابل درک از تصاویر نیز اشاره کرد که ابتدا به بسامد هریک از آنها اشاره شده و در ادامه تحلیل‌های لازم ذکر شده است.

جدول ۳. ارزش‌های مندرج در تصاویر کتاب

ارزش‌ها	بسامد
طبیعت‌گرایی و زیبایی و شگفتی آن	۱۷
میهن‌دوستی و ملی‌گرایی	۱۱
مقاومت، شهادت و دفاع مقدس	۶
باورهای دینی و اعتقادی	۷
مهرورزی و کمک به اطرافیان و خانواده	۶

کتابخوانی و نویسندگی	۲
سواد رسانه و فناوری	۳
آشنایی با مشاغل و ارزش کارکردن	۵

در میان ارزش‌ها، طبیعت‌گرایی در تصاویر صفحات ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۹، ۳۶، ۳۸، ۴۲، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۱۲۷ بیشترین بسامد را و فرهنگ کتابخوانی در تصاویر صفحات ۱۰۲ و ۱۱۳ و سواد رسانه در صفحات ۵۳، ۵۴، ۵۵ کمترین فراوانی را دارند. همچنین، دو تصویر از میان تصاویر کتاب به جای انتقال ارزش‌های مثبت، حس و حال منفی به دانش‌آموز القا می‌کنند و به گونه‌ای ضد ارزش‌ها را بیان می‌کنند؛ تصویر مندرج در حکایت «ان‌شاءالله» (همان: ۹۳) و درس «راه خوشبختی» (همان: ۱۲۰) که ترس، ناامنی و مرگ را به ذهن القا می‌کنند.

در زمینه ارزش طبیعت‌گرایی و برجسته‌سازی زیبایی و شگفت‌انگیزی آن، می‌توان به تصویر فصل اول (زیبایی آفرینش) اشاره کرد که در آن، تصویر پروانه‌ای سه‌رنگ (قرمز، سیاه و سفید) نمایان است که روی گل نارنجی‌رنگ (که رنگ غالب تصویر است) نشسته است. درباره نمادشناسی پروانه گفته شده: «پروانه را می‌توان به‌عنوان نماد سبکی و زیبایی و ناپایداری ملحوظ داشت. وجه دیگر آن، بر مبنای استحاله آن استوار است؛ وقتی پروانه از پیله خارج می‌شود، نماد زندگی دوباره است» (شوالیه و گربران، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۰۹). بنابراین، هدف از طراحی تصویر پروانه بر روی گل نارنجی-رنگ، برجسته‌سازی زیبایی و شگفتی آفرینش خداوند و نیز تولد و حیات دوباره موجودات به اذن خداوند مطرح است؛ همان‌گونه که در تصاویر درس‌های این فصل همچون «خوب جهان را ببین!»، «صورتگر ماهر» و ... چنین ارزشی به-راحتی دریافت می‌شود. همچنین با توجه به اینکه «تحقیقات نشان داده که رنگ نارنجی برای دانش‌آموزان نوجوان بسیار خوشایند است و برای سطح بالا نشان‌دادن خود، قابل دسترس و ملموس بودن و رنگ سرزنده و شادمانه است» (آیزمن، ۱۳۹۰: ۳۲) چنین تصویری می‌تواند عینیت و جذابیت بیشتری به مفهوم زیبایی آفرینش و طبیعت دهد.

همچنین، نگارنده برای بسامدگیری ارزش ملی‌گرایی و وطن‌دوستی به سه مؤلفه پرتکرار در تصاویر کتاب توجه داشته است: ۱- اهمیت‌دادن تصاویر به میراث فرهنگی کشور که نمونه آن را می‌توان در صفحات ۳۰، ۴۳ و ۱۰۷ مشاهده کرد؛ مثلاً در صفحه ۱۰۷ با عنوان فصل آزاد (ادبیات بومی ۲) تصویر قالی دست‌بافت ایرانی مشاهده می‌شود که با برخورداری از نقوش گل و مرغ و رنگ طیف قرمز (زرشکی) و سیاه، زیبایی هنر دست ایرانیان را نمایش می‌دهد. درباره پیوند قالی با فرهنگ و سنت ایرانیان باید گفت: «قالی برای شرقیان، عامل مهم زندگی فردی، خانوادگی و قبیله‌ای است. تزیینات قالی به هیچ روی تصادفی نیست و صرفاً جنبه زیباشناسانه ندارد؛ بلکه با فلسفه و علایق چنددهه‌زارساله شکل گرفته است: طاووس پرنده مقدس در ایران و چین، کبوتر، نماد عشق و صلح، درخت سرو نماد ابدیت و ... است و اما رنگ قالی نیز اهمیت داشته است. سرخ، نماد خوشبختی و شادی است... همچنین، قالی به‌عنوان یک نماد زیباشناختی، اغلب به معنای باغ تفسیر می‌شود؛ باغی که با تصور ذهنی از بهشت پیوند دارد و شادی دائمی باغ‌ها را منتقل می‌کند. قالی مکانی را القا می‌کند که مختصات قدسی دارد و میل به سعادت بهشتی را بیدار می‌کند» (شوالیه و گربران، ۱۳۸۵، ج ۴: ۴۲۶). ۲- اهمیت‌دادن تصاویر به مفاخر و مشاهیر کشور که نمونه آن را می‌توان در صفحات ۶۷، ۸۷، ۷۰، ۹۳، ۹۴ و ۸۲ مشاهده کرد. مثلاً در صفحه عنوان فصل چهارم با عنوان «نام‌ها و یادها» متناسب با عنوان فصل، تصویر بزرگان عرصه شعر، فرهنگ و سیاست همچون فردوسی طوسی، امیرکبیر، شاهان ایرانی، نوجوان رزمنده و نیز مظاهری مثل سیمرغ، رخس، شاهنامه، قلعه تاریخی و ... ثبت شده است. همچنین، شعری از سعدی درباره برتری و ماندگاری نام نیکو نسبت به مادیات (قلعه‌ها و قصرهای زرنگار) در حاشیه تصویر ثبت شده است که به شکل عینی و

اثربخش در قالب ترسیم قلعه در پشت سر شخصیت‌های بزرگ و آثارشان عرضه شده است. ۳- اهمیت دادن تصاویر در ترسیم پرچم جمهوری اسلامی ایران که نمونه آن را می‌توان در صفحات ۸۲ و ۸۳ مشاهده کرد. برای مثال، در درس یازدهم، تصویر نوجوانی دیده می‌شود که با نگاهی نافذ به مخاطب و در دست‌داشتن پرچم و پیشانی‌بندی سفید، ایستادگی و غرور ملی نوجوانان ایران را بازتاب می‌دهد. همان‌گونه که درباره‌ی المان پرچم گفته شده: «پرچم به ترتیبی کلی نشانه‌ی اعلان جنگ، فرماندهی، اتحاد و مقام ریاست است. پرچم فقط علامت گروه‌ها و رؤسا نبوده؛ بلکه عملاً نبوغ و فضیلت آنها را در بر داشته‌است. گفته می‌شود که پرچم‌ها جانشین نیستند؛ بلکه نیاکان را عرضه می‌کنند و نماینده‌ی آنان هستند» (شوالیه و گریبان، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۸۶). از این رو، متناسب با محتوا و عنوان درس، در سه صفحه‌ی این درس، از این المان استفاده شده است تا مباحث نوجوانان را به نیاکان خود در راه حفظ وطن به شکل ملموس بازتاب دهد. همچنین، در صفحه‌ی دوم درس، تصویر راهپیمایی ترسیم شده که دختر نوجوانی با جلیقه قرمز به همراه مادرش پرچم مقدس جمهوری اسلامی ایران را در دست گرفته‌اند و عکس امام خمینی (ره) را بر لباسشان چسبانده‌اند. پرچم نشانه‌ی مرام یا ظاهر آن کسی است که زیر آن قرار گرفته است؛ بنابراین، قرارگیری و همراهی نوجوانان در این درس با پرچم ایران و تصویر امام، نشان‌دهنده‌ی اعتقاد و پایبندی راسخ آنها به نظام جمهوری اسلامی و محافظت از آن است. به منظور عینیت‌بخشیدن به مفهوم عشق‌ورزی به وطن، رنگ غالب تصویر، رنگ قرمز است؛ زیرا «رنگ قرمز سمبل خون است. شهامت، رشادت، مبارزه و مرگ مقدس همراه با این رنگ نمایش داده می‌شود» (علی‌اکبرزاده، ۱۳۹۷: ۶۶). در صفحه‌ی سوم درس نیز که شعر وطنی از ادیب‌الممالک فراهانی ذکر شده‌است، تصویر پدر و پسری دیده می‌شود که در حال نصب پرچم ایران بر روی ارتفاع هستند. پرچم در اهتزاز ایران ضمن القای استواری و پابرجایی میهن، جنبه‌ی آسمانی و الهی آن را نیز به ذهن متبادر می‌سازد؛ زیرا «پرچم نماد حمایتی است که ارزانی شده یا درخواست شده. حامل پرچم آن را روی سر خود بالا می‌برد؛ یعنی به نحوی به سوی آسمان بانگ برمی‌دارد و خط وصلی میان بالا و پایین، میان آسمان و زمین به وجود می‌آورد. عَلم در اهتزاز بر فراز زمین، با رمز الهی آشنا شده است» (شوالیه و گریبان، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۸۷). بنابراین، تلفیق عناصر پرچم و آسمان در این درس به معنای محوری آن، یعنی شجاعت و شهادت در راه وطن بر اساس مبانی اسلامی و الهی اشاره دارد.

همچنین، یکی دیگر از ارزش‌هایی که تصاویر در کتاب فارسی هشتم بازتاب می‌دهند، معرفی مشاغل و اهمیت کارکردن و رعایت اصول پیشه‌گری است. در این زمینه، به شغل‌هایی همچون کوزه‌گری (فارسی هشتم، ۱۴۰۳: ۳۵)، هیزم‌کشی (همان: ۵۹ و ۶۰)، دبیری و نامه‌نگاری (همان: ۷۷) و چوپانی (همان: ۱۶) اشاره شده است. مثلاً درباره‌ی اینکه چرا تصویر شغل چوپانی برای بیان مفهوم خدانشناسی در حکایت اول کتاب انتخاب شده‌است، باید گفت این شغل پیشینه‌ای کهن در سنت‌های مذهبی و عرفانی دارد و طبق فرموده‌ی امام صادق(ع): «مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا قَطُّ حَتَّى يَسْتَرْعِيَهُ الْغَنَمَ، يُعَلِّمُهُ بِذَلِكَ رَعِيَةَ النَّاسِ»؛ خداوند هرگز پیامبری را مبعوث نکرد، مگر اینکه قبلاً او را به شبانی گوسفندان گماشت تا از این طریق اداره مردم را به او تعلیم دهد (شیخ صدوق، ۱۳۸۳، ج ۲: ۳۲) و رسول خدا (ص) نیز فرمودند: «خداوند، داوود (ع) را هنگامی مبعوث کرد که ایشان یک چوپان بود؛ همچنین حضرت موسی (ع) را نیز هنگام چوپانی ایشان به نبوت برگزید؛ من نیز چوپانی گوسفندان را در منطقه جیاد به عهده داشتم» (ابن‌اثیر جزری، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۱۳۸). بنابراین، چوپان، به مثابه‌ی نمادی از انسان، مسئولیت مراقبت از آفریده‌های خود و یا جامعه‌ی انسانی را به دوش می‌کشد و به این طریق به درک مسئولیت الهی نزدیک می‌شود. همچنین، چوپان در خلوت خود در محیط‌های دور دست و طبیعی، فرصت بیشتری برای خلوت و ارتباط با خالق خود پیدا می‌کند و از زیبایی‌ها و عظمت آفرینش او عبرت می‌گیرد که این امر، زمینه را برای نوعی مراقبه و رسیدن به معرفت الهی فراهم می‌سازد. یا در حکایت فصل دوم به شغل کوزه‌گری اشاره شده است. این شغل به دلیل ماهیت سنتی، پیچیده و مهارت‌محور خود، مستلزم احترام و قدردانی عمیق شاگرد نسبت به استاد است؛ این احترام نه فقط یک عرف حرفه‌ای، بلکه اساسی برای انتقال دانش، تجربه و سنت در این حرفه به شمار می‌رود؛ زیرا شاگرد در ابتدا همچون گل خامی است که استاد، باید او

را شکل می‌دهد؛ بنابراین، قدرشناسی از استاد، به نوعی قدردانی از فرایند تکامل خود است. با توجه به این مطالب، میان موضوع حکایت و شغل انتخاب‌شده در تصویر، ارتباطی عمیق و کهن وجود دارد.

درباره تصاویر، ضمن اشاره به ویژگی‌های مذکور، باید به اجزاء و عناصر پربسامد در آنها نیز پرداخت تا مشخص شود که این عناصر به کدام جنبه معنایی و نمادین درس اشاره دارند. در جدول زیر، ابتدا بسامد آنها ذکر شده و در ادامه، به تحلیل آنها پرداخته شده است.

جدول ۴. پرکاربردترین عناصر در تصاویر کتاب

عناصر تصویر	بسامد
شخصیت‌های انسانی	۴۱
سبزه‌زار، گیاه و گل	۳۸
متعلقات و لوازم میدان جنگ	۲۱
حیوانات	۱۴
آسمان	۱۴

درباره شخصیت‌های انسانی مورد استفاده در تصاویر کتاب باید گفت که ۲۲ مورد مربوط به مردان بالغ، ۱۲ مورد تصویر نوجوانان پسر و دختر، ۵ مورد تصویر زنان بالغ و درنهایت، ۲ مورد تصویر کودکان ترسیم شده است. این آمار نشانگر این است که غلبه جنس مرد در تصاویر بسیار چشمگیر است و نقش زنان کم‌رنگ؛ زیرا اغلب متون به پدیده جنگ و مشاغل جامعه سنتی مربوط می‌شوند. درباره متعلقات و لوازم میدان جنگ، عنصر پرچم در کتاب نمود بیشتری در مقایسه با عناصر دیگر نظیر کلاه جنگی، سیم خاردار، پیشانی‌بند، شمشیر، سپر، ماشین نظامی و ... دارد. تنوع و گوناگونی حیوانات در کتاب نیز جالب توجه است؛ همچون خفاش، طاووس، گوسفند، پروانه، بلبل، سنجاقک، اسب، کبوتر و ... مثلاً در روان‌خوانی فصل اول با عنوان «جوانه و سنگ» با شگرد تشخیص به بیان رویش جوانه‌ای در کنار سنگی واقع در بیابانی شوره‌زار پرداخته‌است. این جوانه از شدت تابش گرمای خورشید، طلب آب می‌کند. سنجاقکی که «نماد زیبایی و سبکی و پیام‌آوری است» (شوالیه و گربران، ۱۳۸۵، ج ۳: ۶۲۹) برای رساندن آب به او به سمت مردابی می‌رود که نماد انفعال، بی‌حرکتی و تنبلی است و یکی از نمادهای ناخودآگاه مادر و جای جوانه‌های نامرئی است؛ ولی بدون نتیجه از نزد مرداب سنگدل برمی‌گردد. در آخرین لحظات حیات جوانه، سنگ مکعب‌شکل و آدم‌نمایی شکافته می‌شود و آب گوارایی از دل آن بیرون می‌آید که نمادی از ایثار و فداکاری است. سنگی که به‌ظاهر سخت و بی‌حس است، در واقع منبعی از حیات و بخشش است. از منظر نمادشناسی نیز می‌توان حیات‌بخشی سنگ را نیز بررسی کرد؛ زیرا «سنگ مکعبی‌شکل، نشانه عامل زنانه است و در سنت‌ها، بین روح و سنگ ارتباطی نزدیک وجود دارد. سنگ، نماد زمین-مادر است و از اینجاست که در ادیان مختلف، سنگ زنده محسوب می‌شود و حیات می‌بخشد. آنها زنده از آسمان افتاده‌اند و پس از سقوط خود زنده می‌مانند» (همان: ۶۳۱). در ضمن، چهره غمگین سنگ آدم‌نما و سنجاقک، تصویر خورشید در حال غروب و نبود رنگ‌های شاد و متنوع، همگی بازتاب‌دهنده اندوه و غم موجود در متن درس هستند.

همچنین، نقوش و عناصر مرتبط با فرهنگ و هنر ایران اسلامی در حواشی صفحات و سرفصل‌ها در کنار عناصر و اجزای طبیعت همچون سبزه‌زار و آسمان، تقویت‌کننده جنبه معرفتی تصاویر شده است. مثلاً در صفحه عنوان فصل سوم (سبک زندگی) تصویر جاده‌ای مستقیم نمایان است که اطراف آن، کشتزارها و سبزه‌زارهایی قرار دارد. در بخش بالایی جاده، شمسۀ فیروزه‌ای رنگ ترسیم شده است. قرارگیری این عنصر در بالای جاده، به شکل استعاری بیانگر این است که نوجوان در مسیر زندگی خود با تابش نور هدایت الهی و با پرهیز از انواع انحرافات و کج‌روی‌های رفتاری و اخلاقی و پیش‌گرفتن صراط مستقیم، به سرمنزل مقصود که تکامل و تعالی انسانی است، می‌رسد. این برداشت از آن روست که «کاربرد نقش شمسۀ با توجه به جایگاه قرارگیری‌اش در آسمان، استعاره‌ای از آسمان غیب است که در نزد عارفان محل و موطن انوار و تجلیات الهی است» (سجادی، ۱۳۷۰: ۴۱). «نقوش ستاره و شمسۀ می‌تواند استعاره از نور الهی باشد که بنیاد عرفان و حکمت مشرق زمین محسوب می‌شود» (حسینی، ۱۳۹۰: ۷). ضمن اینکه نقش شمسۀ با شعر ذکرشده حافظ که در آن به «مهر گردون» اشاره کرده است، تناسب و هماهنگی دارد که یادآور یکی از نقوش بسیار کهن یعنی گردونه خورشید است که در دوره اسلامی به شکل‌های مختلف از جمله شمسۀ به کار رفته است؛ زیرا بیشترین شباهت را با شکل ظاهری خورشید دارد (راسخ‌تلخداش، ۱۳۸۷: ۷۰). همچنین، فضای آسمان، با نقوش بوته-جقه خاکستری کم‌رنگ مزین شده است که هم با سبک زندگی ایرانی-اسلامی و هم با محتوا و فضای معنوی و معرفتی تصویر هماهنگی دارد. در واقع، این نقوش می‌توانند نمادی از باروری، رشد و زندگی باشند؛ زیرا در ادبیات ایران، طبیعت و ارتباط انسان با آن، موضوع پربسامدی است و بوته‌جقه به‌عنوان نمادی از زیبایی و سرزندگی طبیعت می‌تواند به عنوان یک عنصر تزئینی در این آثار تأکید بر ارزش‌های طبیعی و فرهنگی ایران باشد؛ به‌ویژه اینکه رنگ خاکستری آن از لحاظ روانشناسی «پیام قابل اعتماد و اطمینان‌بودن، زمان‌مند و دوام آثار را نشان می‌دهد» (آیزمن، ۱۳۹۰: ۵۶).

۲-۲. ویژگی رنگ‌های مورد استفاده در تصاویر کتاب فارسی هشتم

در کل کتاب فارسی هشتم، یازده طیف رنگ شامل سبز، آبی، قرمز، قهوه‌ای، سفید، سیاه، زرد، نارنجی، بنفش، خاکستری و صورتی در تصاویر استفاده شده است. بیشترین طیف رنگ مورد استفاده، به ترتیب شامل رنگ سبز (۴۱ مورد)، آبی (۲۷ مورد)، سفید و سیاه (هر کدام ۲۵ مورد)، قرمز و قهوه‌ای (هر کدام ۲۲ مورد) و زرد (۱۵ مورد) می‌شود. کمترین طیف رنگ‌های مورد استفاده نیز به ترتیب صورتی (۲ مورد)، نارنجی (۵ مورد)، خاکستری (۶ مورد) و بنفش (۷ مورد) است. از سوی دیگر، در میان رنگ‌های غالب پرتکرار در تصاویر کتاب، پس از رنگ سبز (۱۲ مورد)، طیف رنگ قهوه‌ای (۶ مورد) و سپس طیف رنگ آبی (۴ مورد) بالاترین فراوانی را داشته‌اند. همچنین، کمترین بسامد رنگ غالب، پس از صورتی (۰ مورد)، رنگ خاکستری (۱ مورد) است. البته با وجود اینکه رنگ صورتی، در هیچ صفحه‌ای رنگ غالب تصویر نبوده‌است، ۲ مورد کاربرد دلالت‌مند و معنابخش در تصاویر داشته‌است؛ مثلاً در صفحه عنوان فصل دوم (شکفتن) تصویر شاخه‌های گل صورتی و نارنجی رنگ نشان داده شده که با محتوا و عنوان فصل و شعر درج‌شده از صائب تبریزی تناسب و سازگاری دارد. در واقع، عنوان فصل «شکفتن» به‌خوبی نشان‌دهنده فرآیند رشد و آغاز یک دوره جدید (گذر از کودکی به نوجوانی) است. این موضوع به‌طور واضح با رنگ‌های صورتی و نارنجی که به تصویر کشیده شده‌اند، همخوانی دارد؛ زیرا در بسیاری از فرهنگ‌ها، «رنگ صورتی نمادی از لطافت، محبت، جوانی و زیبایی طبیعی است و مولد حرکت و رهایی وحشی و به‌عنوان رنگی سالم و خوش‌بینانه است» (آیزمن، ۱۳۹۰: ۲۷). بنابراین، هنگامی که شاخه‌های گل‌های صورتی در تصویر به کار می‌روند، می‌توانند نشان‌دهنده لحظات آغازین و باطراوت زندگی، امید و آغازی نو باشند. در نتیجه، تصاویر گل‌های صورتی و نارنجی در این فصل می‌توانند القاگر نمادهایی از «شکوفایی» و «آغاز» باشند. همچنین، کاربرد طیف رنگ خاکستری در تصاویر کتاب نیز اگرچه اندک، اما دلالت‌مند و اثربخش بوده‌است؛ مثلاً در صفحه نخست درس هفدهم (راه خوشبختی) رنگ غالب تصویر به‌واسطه آسمان ابری و

دریای طوفانی، از طیف رنگ خاکستری است که تحکیم بخش فضای هشداردهنده، تأمل‌گرا و آینده‌نگر درس است؛ زیرا «خاکستری می‌تواند نگاهی آینده‌گرا و نوین داشته باشد» (پورحسینی، ۱۳۸۴: ۵۴). همچنین، «خاکستری به ما معنای سکوت را یاد می‌دهد و با عکس‌العمل‌ها و تفکر و درون‌نگری باعث می‌شود که خود و بقیه را بهتر بشناسیم» (پورفخاران و نوری، ۱۳۹۱: ۳۹). از این رو، دانش‌آموز با نگاه به چنین رنگ‌آمیزی و طراحی، به تفکر و تأمل درباره آینده و برنامه‌ریزی برای زندگی خویش می‌پردازد. خاکستری، به‌عنوان نمادی از ابهام و عدم قطعیت (آیزمن، ۱۳۹۰: ۵۷) نیز می‌تواند به‌خوبی نشان‌دهنده چالش‌ها و تردیدهای دوره نوجوانی باشد. همچنین، رنگ خاکستری، به‌عنوان نمادی از بلوغ و پختگی و تعادل و میانه‌روی، یادآور این است که نوجوانان باید با استفاده خردمندانه از زمان و پرهیز از اتلاف وقت و انرژی در امور بیهوده، مسیر مشخصی را برای دستیابی به اهداف و آرزوهایشان داشته باشند. در ادامه، بسامد کاربرد موارد مذکور در جدول زیر نشان داده شده تا خواننده درک عمیق‌تری از دلالت‌مندی و ارتباط میان رنگ و محتوای درس داشته باشد.

جدول ۵. ویژگی‌های کاربرد طیف رنگ‌ها در تصاویر کتاب

ویژگی طیف رنگ	مؤلفه‌ها	بسامد
میزان کاربرد طیف رنگ	بیشترین طیف رنگ مورد استفاده	سبز (۴۱ مورد)
	کمترین طیف رنگ مورد استفاده	صورتی (۲ مورد)
میزان کاربرد طیف رنگ غالب	بیشترین طیف رنگ غالب در تصاویر	سبز (۱۲ مورد)
	کمترین طیف رنگ غالب در تصاویر	صورتی (۰ مورد)
وضعیت ارتباط طیف رنگ غالب با متن	طیف رنگ‌های غالب مرتبط با متن درس	۴۵
	طیف رنگ‌های غالب بی‌ارتباط یا کم‌ارتباط با متن	۱۴

درباره وضعیت ارتباط رنگ‌های غالب با متن و محتوای درس‌ها باید گفت ضمن اینکه طیف رنگ سبز بیشترین کاربرد رنگ را در کتاب داشته است، بیشترین رنگی است که کاربرد مرتبط و دلالت‌مند با متن و تصاویر کتاب داشته است. مثلاً درس اول با عنوان «پیش از اینها» شعری از قیصر امین‌پور درباره خداجویی و خدانشناسی نوجوان است. در تصویر صفحه نخست، دورنمایی از پسر نوجوانی ترسیم شده است که مطابق متن شعر در آستانه معبد و مسجدی روی پله‌ها نشسته است. رنگ غالب تصویر، طیف رنگ سبز (خزه‌ای پررنگ، شویدی و سبز پررنگ) است که متناسب با شعر، بیانگر باصفا بودن نمازخانه و القاگر احساس صمیمیت و ارتباط معنوی قوی میان پسر بچه با خداوند است. در حقیقت، از آنجا که در این درس قرار است دانش‌آموز درک ملموسی از خدا و جایگاه او داشته باشد، رنگ سبز یاریگر او در این مسیر خواهد بود؛ زیرا رنگ سبز، «رنگ قدسی است و حالتی روحانی و معنوی به انسان القا می‌کند. این رنگ، نشانگر عقیده، ایمان و سمبل دین و ابدیت و رستاخیز است» (علی‌اکبرزاده، ۱۳۹۷: ۷۲)؛ همان‌گونه که «هشت مرتبه لفظ سبز در قرآن برای زیبایی لباس بهشتیان و قدرت و رحمت الهی استفاده شده است» (پورفخاران و نوری، ۱۳۹۱: ۵۱). همچنین، رنگ سبز به‌عنوان رنگی آرامش‌بخش می‌تواند به کاهش استرس و افزایش حس آرامش کمک کند (لوشر، ۱۴۰۲: ۱۶۲)؛ همان‌گونه که در شعر، نوجوان در یافتن و شناخت خدا سردرگم و ناآرام است: «پیش از اینها خاظم دلگیر بود» (فارسی هشتم، ۱۴۰۳: ۱۳)؛ اما با قرارگیری در فضای سبز روستا به آرامش و یقین می‌رسد: «تازه فهمیدم

خدایم این خداست» (همان: ۱۳)؛ زیرا یکی از معانی ضمنی رنگ سبز، ثبات عقیده و خودآگاهی و ارزش والایی است که بر «من» گذاشته می‌شود. «منی» که با خود مثبت در تمام زمینه‌ها همراه است و موجب امنیت اجتماعی و بالابردن اعتبار و ارزش خویش است. بنابراین، رنگ سبز اعتماد و اعتقاد نسبت به ارزش‌های خاصی را که فرد به آنها پایبند است، اثبات می‌کند و بالا می‌برد (لوشر، ۱۴۰۲: ۱۶۳). چنین اعتقاد راسخ، یعنی خداآوری در سراسر وجود نوجوان حاضر در شعر مشاهده می‌شود. از یک سو، گیاهان سبزرنگ اطراف مسجد و حتی طراحی گنبد آن با نقوش گیاهان سبزرنگ که پرنده‌ای سبزرنگ هم روی آن نشسته و از سوی دیگر، بیان موضوع خداشناسی در شامگاه طبیعت دست‌نخورده روستا، همگی تقویت‌کننده چنین فضای معنوی و باصفاست که به گفته ارسطو سبب رعایت وحدت سه-گانه «زمان، مکان و موضوع» در این تصویر و درس شده است. همچنین، مطابق با متن درس، غلبه رنگ سبز، اشاره‌ای به صمیمیت و پاکی روستاییان نیز دارد که به واسطه درک بهتر از مظاهر قدرت و جمال الهی در طبیعت، ارتباط عمیق و خالصانه‌ای با خداوند دارند.

همچنین، در برخی درس‌ها رنگ غالب سبز، سبب تداعی تلویحات، گسترش مفاهیم، و ارتباطی عمیق و چندلایه با محتوا و متن درس‌ها شده است که نمونه آن را می‌توان در درس ششم با عنوان «راه نیکبختی» مشاهده کرد. این درس درباره اندرزهای ایراج میرزا به نوجوان مخاطب خود در راستای رعایت سجایا و فضایل اخلاقی و انسانی نظیر مهرورزی به مادر، فرمانبری از پدر، ادب‌داشتن و ... است. صفحه نخست درس، تصویر مادری با لباس زردرنگ (کهرابایی روشن) و روسری سفیدرنگ در کنار درخت سبزرنگ است. مادر، کودکی با لباس‌های رنگارنگ را به سمت پرندگان سفیدرنگ نشسته بر روی شاخه‌های درخت بالا برده است. پس‌زمینه تصویر مادر و کودک، گیاهان و علفزار بوستان است؛ به همین سبب، طیف رنگ سبز (سبز چمنی، شوییدی، خزه‌ای) رنگ غالب و برجسته تصویر است. ادامه این تصویر و رنگ در صفحه دوم درس نیز آمده است. چنین طراحی و رنگ‌آمیزی با دو سه بیت شعر ایرج میرزا که درباره احترام به پدر و مادر است ارتباط دارد. رنگ ارائه‌شده در این درس، ما را به یاد این حدیث پیامبر (ص) می‌اندازد: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ؛ بهشت زیر قدم‌های مادران است» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۱: ۵). برجستگی طبیعت سرسبز در این تصویر القاکننده امید و سرزندگی و ایمان است. رنگ سبز به انسان احساس راحتی، خونسردی و آرامش می‌دهد. همچنین، به واسطه ارتباط با طبیعت، احساس جوانی و شور بهاری را در خود دارد و نشاط‌انگیز است؛ بنابراین، رابطه عاطفی، آرامش‌بخش و حمایتگری که میان مادر و کودک وجود دارد، به سبب چنین رنگی برجسته‌تر می‌شود. از سویی طبق نظر محققان آموزش‌هایی که به نوعی به تعمق و درونی‌شدن نیازمندند؛ مانند آموزش‌های دینی و اخلاقی در فضاهایی مالا مال از نور و رنگ سبز انجام می‌گیرند (پورحسینی، ۱۳۸۴: ۴۷). از این رو، طراحی تصویری با غلبه رنگ سبز، سبب افزایش میزان اثرگذاری و نفوذپذیری آموزه‌های شاعر همچون محترم‌شمردن پدر و مادر می‌شود. همچنین، مادری که با لباس کهرابایی ترسیم شده است، به نوعی حس گرما و صمیمیت را به فرزندش القا می‌کند. این گرما و محبت، بستری مناسب برای احترام و قدردانی فرزند نسبت به مادرش را فراهم می‌کند. از سویی، همان‌طور که کهربا به‌عنوان محافظ شناخته می‌شود، مادر نیز حامی و محافظ فرزندش است. لباس کهرابایی مادر می‌تواند نمادی از این حمایت و حفاظت باشد. وقتی نوجوان این حمایت و حفاظت را درک کند، طبیعتاً احترام بیشتری برای مادرش قائل می‌شود. در نهایت، رنگ کهرابایی به دلیل درخشش و زیبایی، حس جلال و شکوه را نیز منتقل می‌کند. لباس کهرابایی مادر می‌تواند نشان دهد که مقام مادر، دارای جلال و شکوه خاصی است و شایسته احترام است.

پس از طیف رنگ سبز، طیف رنگ قهوه‌ای بیشترین بسامد رنگ غالب را در تصاویر کتاب دارد که ضمن ایجاد محیطی امن و گرم، موجب عمق‌افزایی و معنابخشی به تصاویر و ارتباط استوارتر آنها با متن و محتوای درس‌ها شده است؛ به-ویژه این موضوع را در فصل‌های آزاد (ادبیات بومی) بهتر می‌توان مشاهده کرد. مثلاً در صفحه عنوان فصل آزاد (ادبیات بومی ۱) تصویر پنجره‌ای قوس‌دار، مشبک و کنده‌کاری‌شده قدیمی مشاهده می‌شود که هنر ایرانی-اسلامی درودگران

کشور را به نمایش می‌گذارد. رنگ قهوه‌ای پنجره و دیوارهای اطراف آن، سبب پیوند چندلایه با موضوع ادبیات بومی شده‌است؛ زیرا این رنگ، ریشه‌داری و تعلق خاطر نوجوان را به سرزمین خود القا می‌کند و گرمای وجود، خاکی بودن و صمیمیت را به شکل ملموس به او انتقال می‌دهد؛ چرا که «این رنگ با حس گرما، طبیعی و راحتی در ارتباط است. قهوه‌ای به‌عنوان رنگ زمین و خاک، نماد ثبات، استحکام و مورد اعتماد بودن است. طیف‌های مختلف قهوه‌ای اغلب با عناصر طبیعی مانند چوب و خاک در ارتباط هستند و احساس ارگانیک و طبیعی را به مخاطب منتقل می‌کنند. قهوه‌ای به‌عنوان نمادی از زمین و طبیعت، حسی از تعلق و ارتباط با محیط‌زیست را به تصویر می‌کشد. همچنین، قهوه‌ای می‌تواند عشق به سنت‌ها و ارزش‌های خانوادگی را مدّ نظر قرار دهد» (آیزمن، ۱۳۹۰: ۴۱). بنابراین، پنجره‌ای با این رنگ، نمادی از ارتباط عمیق و آگاهانه با زادبوم، و ثبات و پایداری در ریشه‌های فرهنگی و تاریخی ایران‌زمین باشد؛ همان‌گونه که بیتی از فردوسی حکیم نیز دربارهٔ وطن‌پرستی در حاشیهٔ تصویر آمده است. در همین راستا، از آنجا که معمولاً دانش‌آموزان در این فصل، محتوایی دربارهٔ آداب و رسوم و باورهای قومی و روستایی خود می‌نویسند، رنگ قهوه‌ای نیز معمولاً برای توصیف جنبه‌های مختلف زندگی روزمره، مانند لباس‌ها، ابزارها و محیط‌های زندگی استفاده می‌شود که به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا تصویری واقعی‌تر و ملموس‌تر از زندگی بومی و اقلیمی خود به نگارش درآورند. در نهایت، رنگ قهوه‌ای، «احساساتی مانند امنیت، راحتی و آرامش را منتقل کند» (پورفخاران و نوری، ۱۳۹۱: ۱۷) که کاربرد آن در ادبیات بومی یاریگر دانش‌آموز برای توصیف حالات روانی و احساسی شخصیت‌ها یا فضاهای داستانی مورد نظرشان است.

از سوی دیگر، در ۱۹ تصویر، رنگ غالب، تلفیقی از دو یا سه رنگ است که در ۹ مورد آن، رنگ سبز و در مرتبهٔ بعد، رنگ آبی با ۸ مورد بیشترین حضور را در کنار سایر رنگ‌ها داشته‌اند. نمونهٔ چنین کاربردی را می‌توان در رنگ‌های به-کاررفته در صفحات نخست کتاب، یعنی صفحهٔ عنوان ستایش (فارسی هشتم، ۱۴۰۳: ۹) مشاهده کرد. رنگ محوری این تصویر، ترکیبی از طیف رنگ آبی و نارنجی و زرد است. دربارهٔ کاربرد طیف رنگ آبی در صفحات آغازین به‌ویژه رنگ فیروزه‌ای باید گفت «در اسلام برای رنگ فیروزه‌ای احترام و نیروی مقدسی قائل هستند و از امامان همچون امام صادق (ع) و پیامبر اسلام (ص) روایت‌هایی دربارهٔ نیرو و تقدس و پاکی این رنگ نقل شده است» (پورحسینی، ۱۳۸۴: ۵۴)؛ همچنان که پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «خداوند می‌فرماید من شرم می‌کنم از دستی که به سوی من بلند شود به دعا و در آن دست انگشتر فیروزه باشد. آن را ناامید برنگردانم» (مجلسی، ۱۳۸۱، ۲۶۵). بنابراین، کاربرد رنگ فیروزه و طیف آبی روشن در مطلع کلام و همجواری آن با بیتی از مستوره کردستانی دربارهٔ زینت‌بخشی طلیعهٔ سخن با نام خداوند متعال (که به طیف رنگ فیروزه‌ای است) حکم همان انگشتر فیروزه و چشم‌زخمی است که دانش‌آموز را از همان ابتدای سخن، امیدوار به بخشش و توفیق الهی می‌کند و پاکی و تقدس جاری در کلام شاعر را مضاعف می‌گرداند. همچنین، قاب داخلی صفحهٔ آغازین ستایش، به شکل هنرمندانه‌ای به رنگ نارنجی و حالت شعلهٔ شمع و آتش است (همچنان که شمع نیز در تصویر در حال سوختن است) که دلالت به سوز و گداز انسان خداجو در فراق از معبود و نهایت اشتیاق به دیدار اوست. در عرفان، آتش نمادی از عشق الهی است که قلب عارف را می‌سوزاند و او را پاک و خالص می‌سازد. شور و گداز عارفانه، به مانند این آتش است که عارف را به حرکت درمی‌آورد. همان‌گونه که گفته شده: «رنگ نارنجی بیانگر احساس هیجان، گرما و شور و شوق است و به‌عنوان یک رنگ انرژی‌زا در نظر گرفته می‌شود» (پورفخاران و نوری، ۱۳۹۱: ۶۴). از این رو، رنگ نارنجی و قاب شعله‌وار تصویر، می‌تواند نمادی از عبور از خود و رسیدن به مرحله فنا باشد. عارف در این مرحله، از تعلقات دنیوی جدا شده و به وصال الهی می‌رسد؛ از این رو، بین محتوای عارفانهٔ شعر و مطلع سخن با رنگ آبی و نارنجی (تقدس و عشق الهی) ارتباطی دلالت‌مند وجود دارد؛ حتی در این راستا، عباي آبی‌رنگ و لبادهٔ زردرنگ پیرمرد عارف، تحکیم‌بخش مفهوم معنویت و آسمانی بودن او و زبانه‌کشیدن شعلهٔ وجودش در فراق محبوب است.

۳. نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ۴۹ درصد صفحات کتاب فارسی هشتم دارای تصویر است که همچون پژوهش انجام‌شده درباره تصاویر کتاب فارسی پنجم، ارتباط نزدیکی میان تصاویر و متن درس‌ها وجود دارد که از این میان، مجموعاً ۸۵ درصد تصاویر با متن درس به شکل‌های مختلف، از جمله بخشی از متن، بیشتر متن و نمادین مرتبط هستند. در بررسی و تحلیل ویژگی‌های تصاویر کتاب باید گفت که ۷۱ درصد تصاویر در حاشیه صفحات درس‌ها به‌ویژه در حاشیه فوقانی عنوان درس قرار دارند که این امر ضمن اینکه سبب ایجاد انگیزه و جلب توجه و اشتیاق دانش‌آموز برای شروع درس، و ایجاد پیش‌زمینه و درک بهتر مطالب می‌شود، می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا ارتباط بین متن درس و دنیای واقعی را درک کنند. همچنین، ۶۱ درصد تصاویر از نوع نقاشی و اغلب با کیفیت مطلوب هستند که سبب شده مفاهیم عقلانی و اخلاقی با وضوح و جزئیات بیشتر در حافظه دانش‌آموزان ثبت شود و آنها درک و ارتباط عمیق‌تری با موضوع درس پیدا کنند. از منظر دیگر، ۷۸ درصد تصاویر در هر صفحه جدید و در ضمن سازگار با عصر و ذهنیت نوجوان امروز هستند و کمتر شاهد تکرار تصاویر به‌ویژه در درس‌های طولانی و چندصفحه‌ای هستیم؛ البته در ۲۲ درصد تصاویر به سبب شخصیت‌پردازی و فضاسازی قدیمی، ارتباط ضعیفی میان دنیای کنونی نوجوان با اعمار گذشته ایجاد شده که ممکن است دانش‌آموز نتواند ارتباط معناداری میان تصویر و متن درس برقرار سازد. در میان ارزش‌های مندرج در تصاویر، طبیعت‌گرایی و بیان زیبایی و شگفت‌آوری آن، با ۲۹ درصد و میهن‌دوستی و ملی‌گرایی با ۱۹ درصد بیشترین بسامد را در میان سایر ارزش‌ها دارند که این امر با اهداف درس‌های کتاب که ملموس‌سازی مفاهیم و هویت‌بخشی به دانش‌آموزان نوجوان است، سازگاری دارد. پرکاربردترین عناصر مورد استفاده در تصاویر نیز شخصیت‌های انسانی و در مرتبه بعد، سبزه‌زار و گیاه و گل به ترتیب با بسامد ۶۹ و ۶۴ درصد هستند که در میان اشخاص، غلبه با جنس مرد است؛ زیرا اغلب متون به پدیده جنگ و مشاغل جامعه سنتی مربوط می‌شوند. در حیطه استفاده از رنگ نیز باید گفت همچون بررسی انجام‌شده درباره تأثیر رنگ‌ها بر روی یادگیری دانش‌آموزان مقطع ابتدایی، در این کتاب نیز تناسب رنگ با فضای درس سبب ایجاد شرایط مناسب برای یادگیری شده است که از این میان، یازده طیف رنگ در تصاویر کتاب استفاده شده است که طیف رنگ سبز با بسامد ۲۱ درصد بیشترین رنگ مورد استفاده و نیز با فراوانی ۱۲، غالب‌ترین رنگ در تصاویر به شمار می‌رود. همچنین، ۷۶ درصد رنگ‌های غالب با متن درس ارتباط استواری و نزدیکی دارند که به ترتیب رنگ سبز، قهوه ای و آبی، فراوانی بالاتری در مقایسه با سایر رنگ‌ها داشته‌اند. همچنین، در ۱۹ تصویر، رنگ غالب، تلفیقی از دو یا سه رنگ است که در آنها نیز رنگ سبز و آبی به ترتیب با فراوانی ۹ و ۸، بیشترین حضور را در کنار سایر رنگ‌ها داشته‌اند. برجستگی و غلبه رنگ سبز در تصاویر کتاب به سبب آثار روانشناختی آن بر دانش‌آموزان است؛ زیرا سبب ایجاد آرامش و خویشتن‌داری، تحکیم عقاید دینی، امیدواری و شادابی، و القای حس اعتماد به نفس به آنها می‌شود.

۴. پیشنهادها

۱- در تعدادی از درس‌ها، تناقضاتی بین متن با تصویر و رنگ وجود دارد؛ مثلاً با وجود اینکه در متن درس دوم به روزگوری و بی‌حرکتی خفاش در روز اشاره شده است؛ اما تصویر، حرکت خفاش را در روز نشان داده شده یا با اینکه در متن همین درس به رنگارنگی پرهای طاووس همچون دسته گلی از شکوفه‌های رنگارنگ و داشتن رنگ‌های زرد و سرخ اشاره شده (ر.ک فارسی هشتم، ۱۴۰۳: ۱۹) و گفته شده: «کمتر رنگی می‌توان یافت که طاووس از آن در اندامش نداشته باشد» (همان: ۱۹)؛ اما در تصویر صرفاً از سه رنگ محدود و تیره یعنی سیاه، سبز و آبی استفاده شده است؛ بنابراین، باید از رنگ‌های متنوع به‌ویژه طیف روشن بهره برد تا زیبایی آن پرنده محرز شود.

۲- یکی دیگر از نقاط ضعف این کتاب در حیطه تصویرنگاری و رنگ‌آمیزی، تکرار ملال‌آور و نامتناسب تصویر در ابعاد و زوایای مختلف است که مطابق جدول، ۲۲ درصد تصاویر کتاب را شامل می‌شود؛ مثل درس شش صفحه‌ای «جوانه و سنگ» با وجود اینکه بخش عمده‌ای از این درس بیانگر ناراحتی و غم ناشی از تشنگی و ناتوانی در کمک‌رسانی است؛ اما پایانی شادمانه و پيامی امیدبخش و روشن‌گر دارد؛ از این رو، نباید همه صفحات رنگ و نمایی گرفته و غمناک داشته باشند که موجب یأس و ناامیدی در نوجوان شود؛ بلکه در صفحه پایانی می‌توان رنگ ایثار و محبت را در لحظه جاری- شدن آب بر پای جوانه، رقم زد و لحظه دگرگونی و تغییر در روند داستان را به شکل ملموس برای دانش‌آموز ترسیم کرد. یا مثلاً در درس سه صفحه‌ای «ادبیات انقلاب» به جای تکرار تصویر، می‌توان از نمادهای غنی ادبیات پایداری همچون گل لاله، پلاک، سنگر، کبوتر و ... که در شعر شاعران این حوزه بسیار نمود دارند، بهره برد تا ضمن آشنایی دانش‌آموزان با چنین نشانه‌هایی، ورود اصطلاحات تازه را نیز به شکل عینی نشان داد. یا مثلاً در درس هشتم می‌توان به جای تکرار تصویر، تقابل دو شخصیت جوان مغرور و پیرمرد آزاده و به عبارت بهتر، دو مفهوم غرور و آزادگی را با استفاده از رنگ‌هایی همچون رنگ بنفش و قرمز در برابر طیف رنگ قهوه‌ای و زرد، به شکل ملموس به ذهن دانش‌آموز القا کرد. یا در درس پنج صفحه‌ای «شوق آموختن» به جای تکرار تصویر، می‌توان در هر صفحه متناسب با وقایعی همچون تلاش‌های مستمر حسین‌علی در باغچه برای نوشتن الفبا، یا دیدار شخصیت اصلی با مأموران صلیب سرخ و ... حالت نمایشی و تصویری به محتوا داد تا دانش‌آموز بر اساس ترتیب تصاویر در هر صفحه، پیرنگ و الگوی حوادث داستان را بازایی و تحلیل کند.

۳- عدم استفاده از رنگ و تصویر در تعدادی از درس‌ها نیز یکی دیگر از کاستی‌های این کتاب است؛ مثل درس پنجم و درس پانزدهم که بخشی از فصل آزاد و ادبیات بومی است؛ در حالی که باید متناسب با عنوان فصل از رنگ‌ها و اشکال بومی و ملی که بازتاب‌دهنده هویت غنی ایرانی-اسلامی کشور ماست، در حاشیه صفحات یا دیگر بخش‌ها استفاده کرد تا این گونه المان‌ها و رنگ‌ها، سرنخ و رهنمودی برای نگارش خلاقانه دانش‌آموزان و یافتن موضوعات و مطالب درخور فصل باشد. در این راستا، می‌توان با تلفیق رنگ‌های سرزنده طبیعت روستا و نمادهای کهن ایران اسلامی، جلوه‌ای خاص به نوشته دانش‌آموز داد و سازگاری مناسبی میان متن او و رنگ و تصویر ایجاد کرد. نمونه دیگر این ضعف، در درس «نام‌ها و جای‌ها» مشهود است که می‌توان برای عینیت‌بخشی به متن، تسهیل در به یادسپاری ریشه کلمات و افزایش اطلاعات عمومی دانش‌آموزان، تصاویر کشورها، میوه‌ها و ابزارهای مورد اشاره را در بخش‌های مختلف صفحات ترسیم کرد تا جذابیت بصری درس نیز افزایش یابد.

مشارکت نویسندگان

مشارکت نویسندگان به طور یکسان است.

تعارض منافع

«هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»



COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

منابع

- آقایی، غزاله (۱۳۹۰). همگام‌سازی تصویرسازی با متن کتاب‌های فارسی دوره دوم ابتدایی (چهارم، پنجم و ششم) نظام آموزشی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه نیشابور، دانشکده هنر.
- آیزمن، لئاتریس (۱۳۹۰). روانشناسی کاربردی رنگ‌ها، ترجمه روح‌الله زمزمه، چاپ دوم، تهران: انتشارات بیهق کتاب.
- ابن‌اثیر جرزی (۱۴۰۹ق). اسدالغابه فی معرفه الصحابه، جلد ۱، بیروت: دارالفکر.
- اکرمی، جمال‌الدین (۱۳۹۵). کودک و تصویر: جستارهایی در تصویرگری کتاب‌های کودکان و نوجوانان (جلد ۲)، چاپ دوم، تهران: سروش.
- ایرانی، نفیسه؛ فتاحی‌چالانچی، علویه (۱۴۰۲). «نقد و تحلیل تصاویر کتاب فارسی پنجم دبستان و ارتباط آنها با متن درس»، مجله پژوهش در آموزش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱، صص ۱۱۷-۱۳۸.
https://rpilp.cfu.ac.ir/article_3249.html
- بهرام‌بیگی، مهری (۱۳۹۵). «نقش تصویر و رنگ در کتاب‌های درسی و دانشگاهی و تأثیر آن بر آموزش زبان خارجی»، فصلنامه ترویج علم، دوره ۷، شماره ۱۰، صص ۳۷-۵۳. DOR: 20.1001.1.22519033.1395.7.1.3.4
- پاینده، حسین (۱۳۸۹). داستان کوتاه در ایران، جلد ۲، تهران: نیلوفر.
- پورحسینی، مزده (۱۳۸۴). معنای رنگ، چاپ اول، تهران: انتشارات هنر آبی.
- پورفخاران، علی؛ نوری، سهیل (۱۳۹۱). روانشناسی رنگ‌ها، چاپ ششم، قم: انتشارات ابتکار دانش.
- حسینی، سیدهاشم (۱۳۹۰). «کاربرد تزئینی و مفهومی نقش شمس در مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، دوفصلنامه مطالعات هنر/اسلامی، شماره ۱۴، صص ۷-۲۴. DOR: 20.1001.1.1735708.1390.7.14.1.3
- راسخ تلخداش، رقیه (۱۳۸۷). «تجلی تخیل مقدس در نقش‌مایه‌های سفال و سرامیک دوران اسلامی»، نشریه نقش-مایه، دوره ۱، شماره ۲، صص ۷۰-۷۳. <https://www.sid.ir/paper/184045/fa>
- سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (۱۴۰۳). فارسی پایه هشتم، تهران: شرکت چاپ‌ونشر کتاب‌های درسی ایران.
- سالزبری، مارتین (۱۴۰۲). تصویرگری کتاب کودک، خلق تصویر برای کتاب، ترجمه شقایق فندهاری، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- سجادی، سیدجعفر (۱۳۷۰). فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، تهران: انتشارات طهوری.
- شوالیه، ژان؛ گریبان، آلن (۱۳۸۵). فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی، جلد ۲ تا ۴، چاپ اول، تهران: جیحون.
- شیخ صدوق (۱۳۸۳). علل الشرایع، جلد ۲، قم: مکتبه‌الحیدریه.
- علی‌اکبرزاده، مهدی (۱۳۹۷). رنگ و تربیت، چاپ اول، تهران: میشا.
- قزل‌یاغ، ثریا. (۱۳۹۸). ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج کتابخوانی، تهران: سمت.

- کاظمی میرکی، نسرين؛ وحیدی، فاطمه؛ لک، کبری (۱۴۰۲). «بررسی تأثیر رنگ‌ها بر یادگیری و آموزش دانش‌آموزان ابتدایی». فصلنامه پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش، دوره ۶، شماره ۶۱، صص ۳۴۳-۳۵۹. <https://www.jonappte.ir/fa/issue-62>
- موسوی زوارق، زهرا؛ مردانه، سولماز؛ بدرخانی، مجتبی؛ جعفری کلیبر، فاطمه (۱۴۰۲). «بررسی تأثیر رنگ‌ها و اشکال بر یادگیری و آموزش الفبا برای کودکان شش تا هفت ساله»، فصلنامه دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، دوره ۶، شماره ۶۸، صص ۱۹-۲۴. <https://www.jonahs.ir/showpaper/8983126>
- لوشر، ماکس (۱۴۰۲). روانشناسی رنگ‌ها، ترجمه حمیدرضا بلوچ، تهران: شباهنگ.
- لوشر، ماکس (۱۳۷۶). روانشناسی و رنگ‌ها، ترجمه منیرو روانی‌پور، تهران: انتشارات یادواره.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۱). حلیه/المتقین، قم: انتشارات امام عصر (عج).
- محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۸۶). میزان/الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.

فصلنامه پژوهش‌های علمی در زمینه ادبیات فارسی